

تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی

(یک تحلیل اقتصادسنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی)

صاحبه محمدیان منصور* ، ابوالقاسم گل خندان**

مجتبی خوانساری*** ، داود گل خندان****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۲

چکیده

از نظر بسیاری از اقتصاددانان، افزایش شادی در جامعه سبب افزایش سطح بهره‌وری و در نتیجه رشد اقتصادی و رفاه بالاتر خواهد شد. لذا، آنها به دنبال یافتن عواملی هستند که باعث افزایش سطح شادی جامعه شود. بر این اساس در مقاله حاضر بر آن شدیم تا عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی را شناسایی کنیم. به این منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ بیکاری، امید به زندگی، متوسط سال‌های تحصیل و محدودیت‌های مذهبی و تخمین‌زن GLS و

Mohamadian106@yahoo.com

*. مربی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور.

golxhandana@gmail.com

** . دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول).

***. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی اراک. eng.khansari@gmail.com

****. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

davood.golxhandan@yahoo.com

اطلاعات مقطعی ۶۱ کشور در سال ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج حاکی از وجود یک رابطه خطی بین درآمد سرانه و شادی است؛ به گونه‌ای که با افزایش درآمد، شادی نیز افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری اثر کاهنده و متوسط سال‌های تحصیل نیز در سطح معناداری پایین‌تری نسبت به سایر متغیرهای مدل، اثر مثبت بر شادی دارد. افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی با شادی کم‌تری در جوامع همراه شده است. در یک نتیجه‌گیری کلی حاصل از بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی می‌توان گفت کشورهای ثروتمندتر، با نرخ بیکاری و محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و با متوسط عمر و سطح تحصیلات بالاتر، شادتر هستند.

مفاهیم کلیدی: شادی، درآمد سرانه، محدودیت‌های مذهبی، بهره‌وری، تخمین‌زن

GLS

مسئله پژوهش

شاید بتوان گفت یکی از مهیج‌ترین و جالب‌ترین تغییرات در علم اقتصاد، حداقل در سال‌های اخیر، معرفی ایده‌ای به نام «شادی»^۱ بوده است. در گذشته بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک برای اندازه‌گیری رفاه فردی بیش‌ترین توجه خود را بر روی ثروت، دارایی، مصرف و یا کل پول موجود در دست فرد معطوف می‌کردند. ولی امروزه، مفهومی به نام شادی، در مقایسه با مفاهیم رفاه مادی، جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرده است (Graham, 2008). این مفهوم برای تحلیل این‌که چگونه فاکتورهای اقتصادی مانند درآمد، ثروت و اشتغال به‌خوبی فاکتورهای غیراقتصادی مانند ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی و فاکتورهای جمعیتی،

بر رفاه و شادی و یا به عبارت ساده‌تر بر مطلوبیت افراد تأثیرگذار است، مورد استفاده قرار می‌گیرد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

مطالعات تجربی مختلف نشان داده است که میزان شادی و رضایت از زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای در عملکردهای اقتصادی آنها برخوردار است؛ زیرا رضایت از زندگی سبب بهبود هوش، توانایی، انگیزه و به دنبال آن افزایش بهره‌وری خواهد شد. در حالی که غم و اندوه سبب بی‌تفاوتی و رخوت و در نتیجه کاهش بهره‌وری می‌شود. بنابراین در کشورهایی که مردم شادتر و از زندگی راضی‌ترند، رشد اقتصادی نیز بالاتر خواهد بود (Li & Lu, 2009: 2). از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر بر شادی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این باره براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، متغیرهایی نظیر: امید به زندگی، توزیع درآمد، تحصیلات، بیکاری، آزادی‌های اجتماعی و حقوق سیاسی می‌تواند از جمله عوامل مؤثر بر این متغیر باشند (Ibid). با توجه به این توضیحات، در این مقاله سعی بر آن است تا عوامل مؤثر بر سطح شادی در کشورهای جهان با تفکیک به عوامل اجتماعی و اقتصادی بررسی شود. بنابراین آنچه به‌عنوان سؤال اساسی این پژوهش مطرح می‌شود این است که نوع و میزان اثرگذاری متغیرهای اجتماعی - اقتصادی (شامل: امید به زندگی، محدودیت‌های مذهبی، تحصیلات، بیکاری، درآمد و مجذور درآمد) بر شاخص اندازه‌گیری شادی چگونه است؟ به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال از اطلاعات آماری ۶۱ کشور جهان (کشورهایی که تمام اطلاعات و داده‌های آن موجود بوده‌اند) در سال ۲۰۱۰ (آخرین سال وجود تمام داده‌ها برای کشورهای مورد مطالعه بالاخص داده‌های شادی) در قالب برآوردهای اقتصادسنجی استفاده شده است.

در این راستا، مقاله حاضر در شش بخش تنظیم شده است. پس از بیان مسئله، بخش دوم و سوم به ترتیب به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری می‌پردازد. بخش سوم به روش پژوهش اختصاص دارد. در بخش چهارم به یافته‌های پژوهش پرداخته شده است. در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری پژوهش آمده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش در مورد شادی در سال‌های اخیر روبه افزایش بوده است و در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار مقاله درباره شادی وجود دارد (Johns and Ormerod, 2008: 139). پیش از این نیز تعدادی مقاله مرجع در مورد استفاده از داده‌های شادی در اقتصاد وجود داشت (Frey, 2008: 2). در این قسمت به بررسی اهم مطالعات تجربی انجام‌شده در زمینه عوامل مؤثر بر شادی به ترتیب مطالعات داخلی و خارجی پرداخته شده است.

گرمی نوری و همکاران (۱۳۸۹) احساس بهزیستی و رضایت‌مندی ۲۷۵ دانشجوی دانشگاه تهران را براساس مؤلفه‌های گوناگونی نظیر اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و عاطفی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که رشته تحصیلی و زندگی با خانواده در احساس رضایت‌مندی، نقش مؤثری دارد. از میان مؤلفه‌های گوناگون، سلامت جسمانی اصلی‌ترین مؤلفه و وضعیت اقتصادی، استقلال و شغل در مراتب بعدی قرار خواهند گرفت. همچنین جنسیت نیز بر این شاخص تأثیرات متفاوتی داشته است.

خسروی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان به این نتیجه دست یافته‌اند که میزان درآمد، تأهل و رشته تحصیلی بیشترین قدرت پیش‌بینی را در میزان شادکامی خواهد داشت.

بختیاری و فتح‌آبادی (۱۳۸۹) تأثیر بیکاری و تورم را با شادی و رفاه در کشورهای آسیایی منتخب بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش با به‌کارگیری روش داده‌های تلفیقی نامتوازن، بیانگر آن است که تورم و بیکاری هر دو باعث کاهش سطح شادی در کشورهای مورد مطالعه شده‌اند؛ که اثرگذاری بیکاری بیش‌تر از نرخ تورم بوده است.

کجباف و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته‌اند. آنها در پژوهش خود روش

پرسش‌نامه‌ای که شامل ۳۰۰ پرسش‌نامه که حاوی سؤالاتی در زمینه شادکامی، رضایت از زندگی و سبک زندگی اسلامی بوده را در سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹ مورد استفاده قرار داده‌اند و از رگرسیون چندگانه به منظور برآورد نتایج استفاده کرده‌اند. بر مبنای نتایج مطالعه آنها سبک زندگی اسلامی و شادکامی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد.

نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران طی دو سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش به‌طور کلی، از تأثیر عوامل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جمعیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی حکایت دارند. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش روش حداکثر راست‌نمایی داده‌های تابلویی احتمالات ترتیبی برای داده‌های پرسش‌نامه‌ای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به‌کار گرفته شده است. یافته‌های تجربی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران است.

وینهون^۱ (۱۹۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ثروت ملی و رضایت از زندگی فردی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده که در جوامع اروپایی بعد از جنگ به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی، رضایت از زندگی و خوشحالی نیز در این کشورها افزایش یافته است. در واقع او برخلاف کسانی که رضایت از زندگی و شادی را مستقل از شرایط اقتصادی دانسته‌اند، یک رابطه مستقیم بین رضایت از زندگی و سطح اقتصادی را به اثبات رسانید. طبق نتایج وی در کشورهای ثروتمند مردم خوشحال‌تر از کشورهای فقیر خواهند بود.

کنی^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای اثرات متقابل رشد اقتصادی بر شادی و شادی بر رشد اقتصادی را بررسی کرد. این مقاله به پرسش «کدام باعث دیگری است؟» پاسخ می‌دهد و معتقد است که هر دو می‌توانند بر یکدیگر اثر داشته باشند. براساس این مطالعه، سطح رفاه اقتصادی واقعی، شرط لازم برای شادی است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که وقتی استانداردهای زندگی واقعی حاصل می‌شود، رابطه بین رشد و شادی از بین می‌رود.

فری و استورز^۲ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «شادی، اقتصاد و نهادها»، با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی نشان دادند که عوامل نهادی در فرم دموکراسی و ساختار فدرالی میزان رفاه افراد را افزایش می‌دهد که این تأثیر مثبت می‌تواند ناشی از مشارکت سیاسی آنها در کشور باشد. همچنین نتایج نشان داده است که بیکاری به شدت بر میزان شادی و رضایت از زندگی اثر منفی خواهد داشت؛ درحالی‌که سطح درآمد و شادی تا حدی با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. همچنین آنها در زمینه اثرگذاری مذهب بر رضایت از زندگی و رفاه ذهنی نشان دادند که مذهب اثر مثبتی بر رضایت از زندگی و شاد زیستن دارد.

بر طبق بررسی دی‌تلا و همکاران^۳ (۲۰۰۳) در سال‌های ۱۹۹۲ - ۱۹۷۵ در اتحادیه اروپا، کاهش نرخ بیکاری سبب افزایش رضایت از زندگی شده است. دلیل این مسئله می‌تواند اثرات مستقیم بیکاری بر جرم و جنایت و امور مالی و همچنین وضعیت بد اقتصادی باشد.

در زمینه اثرات آزادی مذهبی بر رفاه اقتصادی آلون و چیس^۴ (۲۰۰۵) پژوهشی انجام دادند. آزادی موردنظر آنها شامل آزادی پرستش، آزادی از آزار و اذیت مذهبی،

-
1. Kenny
 2. Frey
 3. Di Tella et al.
 4. Alon & Chase

آزادی مطبوعات دینی و آزادی سازمان‌های مذهبی است. براساس نتایج این مطالعه آزادی‌های مذهبی تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه یک کشور دارد.

پاولس و همکاران^۱ (۲۰۰۷) مطالعه‌ای را با استفاده از یک نمونه ۱۳۴۹ تایی از زوج‌هایی که سن‌شان بین ۶۵-۱۸ بوده است، برای سال ۱۹۹۹ در کشور آلمان و به‌روش مدل پروبیت ترتیبی انجام داده‌اند. نتایج مطالعه آنها حاکی از تأثیر مثبت درآمد فرد و همسر وی بر روی شادی بود.

کلارک و همکاران^۲ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های مقطعی، رابطه بین درآمد و خوشبختی را مورد بررسی قرار دادند. طبق نتایج آنها افراد ثروتمند به‌طور متوسط رفاه، ذهنی بالاتری خواهند داشت.

در مطالعه‌ای لی و لیو (۲۰۰۹) عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی، شادی و رشد GDP و همچنین رابطه بین آنها را برای ۴۷ کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. به این منظور از متغیرهای اجتماعی و رفتاری نظیر آزادی مدنی و فرهنگی، بی‌ثباتی سیاسی، سرمایه اجتماعی، نرخ جرم و خودکشی و متغیرهای اقتصادی نظیر سهم سرمایه، تجارت و هزینه از تولید ناخالص داخلی و لگاریتم GDP استفاده شده است. پس از تخمین الگو، نتایج نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و رضایت از زندگی کشورها رشد مثبت و معناداری وجود دارد و دلیل معنادار نشدن برخی پارامترها در برخی موارد نظیر تجارت را پراکندگی بالای داده‌های مربوط به آن بیان کردند.

کلارک و لکسز^۳ (۲۰۰۹) با استفاده از نظرسنجی ۹۰ هزار نفر در ۲۶ کشور اروپایی دریافته‌اند که به‌طور متوسط دینداری در هر منطقه اثر مثبتی بر رضایت از زندگی داشته است و مردم در مناطق مذهبی‌تر رضایت بیشتری دارند.

1. Pouwels et al.
2. Clark et al.
3. Clark & Lelkes

کولا و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داده‌اند که بهبود شاخص‌های رضایت از زندگی و در نظر گرفتن آن، در تولید ناخالص داخلی مؤثر است. نابه و راتزل^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین درآمد و شادی در بین افراد فعال جامعه (بازه سنی ۱۸-۶۵) طی سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۸ و برای کشور آلمان پرداخته‌اند. آنها با استفاده از مدل پانل دیتا به صورت لگاریتمی با اثرات ثابت به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر درآمد بر روی شادی مثبت است، اما بعد از یک حد مشخص این اثر منفی می‌شود. به این صورت که تقاضا برای درآمد بالاتر نیازمند کار و تلاش بیش‌تری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است. لیم و پاتنام^۳ (۲۰۱۰) به ارزیابی رابطه بین دین و مذهب و رضایت از زندگی پرداختند. آنها با استفاده از داده‌های ترکیبی نشان داده‌اند که مردم مذهبی از زندگی خود راضی‌تر هستند، زیرا آنها مرتباً در مراسم مذهبی شرکت و با دوستان خود ملاقات می‌کنند.

در مطالعه‌ای دیگر هدی و همکاران^۴ (۲۰۱۰) با استفاده از داده‌های اجتماعی و اقتصادی آلمان به این نتیجه دست یافته‌اند که افراد مذهبی‌تر از زندگی رضایت بیش‌تری دارند، در حالی که کسانی که به دین و مذهب اعتقاد کم‌تری دارند، رضایت کم‌تری از زندگی خواهند داشت.

پناک و اورا^۵ (۲۰۱۰) رابطه بین بهداشت، سلامتی و شادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها سعی کرده‌اند که تفاوت بین اثرات سلامتی، اثرات محیطی، اثرات اجتماعی و اثرات اقتصادی را بیان کنند. آنها به این نتیجه رسیدند که هزینه‌های فرصت سلامتی

-
1. Kula et al.
 2. Knabe & Rätzel
 3. Lim & Putnam
 4. Headey et al.
 5. Pennock & Ura

بر سطح شادی اثر معنادار داشته و عواملی که باعث کاهش سطح سلامتی می‌شوند، سطح شادی را نیز کاهش می‌دهند.

روپراه و لیوانگاس^۱ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به بررسی اثر تورم و بیکاری بر شادی در کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. آنها با استفاده از داده‌های شادی ذهنی نشان داده‌اند که هم بیکاری و هم تورم، شادی را در این کشورها کاهش می‌دهد.

گروپر و همکاران^۲ (۲۰۱۱) با استفاده از اطلاعات بیش از ۱۰۰ کشور جهان رابطه بین شادی و آزادی اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آنها حاکی از رابطه مثبت بین شادی و آزادی اقتصادی بوده است. همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه نیز اثر قوی و مثبتی بر شادی داشته است. بنابراین مردم در کشورهای شادتر، زندگی طولانی و ثروتمندی خواهند داشت.

بارتولینی و سارکینو^۳ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین رفاه ذهنی (شادی و رضایت از زندگی) با سرمایه اجتماعی و تولید ناخالص داخلی در سه دوره کوتاه مدت (۲ سال)، میان مدت (۶ سال) و بلندمدت (۱۵ سال) پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که در کوتاه مدت سرمایه اجتماعی از اهمیت کمتری برخوردار است؛ در حالی که در بلندمدت تأثیرش بر رضایت از زندگی بیش تر خواهد بود. اما در مورد تولید ناخالص داخلی رضایت از زندگی اثر بیشتری دارد و با گذشت زمان اثرش محو خواهد شد.

مطالعه مالسویک پروویک و همکاران^۴ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که در بین کشورهای مختلف مذهبی جوامع، مسلمانان از زندگی رضایت بیشتری دارند. به عبارتی در داخل گروه‌های مذهبی مختلف نیز نوع اعتقاد مردم بر شادی اثرات متفاوتی دارد.

-
1. Ruprah & Luengas
 2. Gropper et al.
 3. Bartolini & Sarracino
 4. Perovic et al.

ساکس و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که رشد اقتصادی بیش‌تر، سبب رشد بالاتری در رضایت از زندگی و خوب زیستن می‌شود. در مطالعه‌ای دیگر پیفاف و هیراتا^۲ (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافته‌اند که رابطه پویا و مثبتی بین GDP سرانه و رضایت از زندگی در کشورهای آلمان و انگلستان وجود دارد.

همچنین دینر و همکاران^۳ (۲۰۱۳) در بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی نشان داده‌اند که تغییرات GDP سرانه به‌طور معناداری بر پیش‌بینی احساس خوب داشتن و رضایت از زندگی مؤثر است.

کامپینت و یاناگیزاوا - درو^۴ (۲۰۱۳) به بررسی اثرات اعمال مذهبی مسلمانان بر رشد اقتصادی و احساس رضایت از زندگی پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج مطالعات آنها، با این‌که برخی موارد نظیر روزه ماه رمضان بر رشد اقتصادی اثر منفی به‌جا می‌گذارد ولی سبب افزایش بهزیستی و رضایت از زندگی در مسلمانان می‌شود.

آلوئیس^۵ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا بین نابرابری درآمد و شادی رابطه‌ای وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی اثرات ثابت^۶ برای ۳۰ کشور حاکی از آن است که نابرابری درآمد اثر منفی بر شادی کشورها مورد مطالعه دارد و شدت این اثر برای افراد ناراضی از زندگی بیش‌تر از افراد راضی از آن است.

در یک نگاه کلی بر پایه مطالعات انجام‌شده می‌توان گفت که نوع رابطه و میزان اثرگذاری بسیاری از متغیرهای مؤثر بر سطح شادی، یکسان و ثابت نیست. همچنین،

-
1. Sacks et al.
 2. Pfaff & Hirata
 3. Diener et al.
 4. Campante & Yanagizawa-Drott
 5. Alois
 6. Fixed Effect (FE)

تاکنون هیچ مطالعه‌ای به منظور حصول به نتایج قابل اعتمادتر، به صورت همزمان تأثیر اهم متغیرهای اجتماعی و اقتصادی را بر سطح شادی در کشورهای مختلف دنیا بررسی نکرده است. بنابراین هدف از این مطالعه سنجش نوع و میزان تأثیر متغیرهای مؤثر بر سطح شادی در کشورهای مختلف دنیا در حضور متغیرهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی به خصوص اعتقادات مذهبی و در قالب مدل‌های اقتصادسنجی است.

چارچوب نظری

اقتصاد شادی^۱، شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که به طور معمول با ترکیب اقتصاد با زمینه‌های دیگر مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به مطالعه کمی و نظری از شادی، احساسات مثبت و منفی، رفاه، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازد (Graham, 2008).

ورود تحلیل‌های شادی به مباحث اقتصادی از آنجا نشئت می‌گیرد که استرلین^۲ (۱۹۷۴) هم‌بستگی بین رشد اقتصادی و شادی افراد را مورد آزمون قرار داد. نتیجه بررسی ۲۰ ساله استرلین حاکی از آن بوده است که با وجود رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا، سطح شادی افزایش چندانی از خود نشان نمی‌دهد، که این مسئله بعدها به «تناقض استرلین»^۳ معروف شده است. نتیجه مطالعات استرلین این بوده است که ارتباطی بین توسعه اقتصادی جوامع با متوسط سطح شادی مردم وجود ندارد. با وجود این که دیگر اقتصاددانان مسئله تناقض استرلین را بعدها رد کردند، اما باید مطالعات استرلین را به عنوان آغازگر مباحث شادی دانست، به طوری که تئوری او در زمینه‌های ارتباط بین درآمد و شادی افراد، یکی از مقالات بزرگ و مطرح در ادبیات اقتصاد شادی

1. Happiness Economics
2. Easterlin
3. Easterlin Paradox

است که تأثیر فاکتورهای متعدد و گوناگون را روی شادی فردی تحلیل می‌کند (Stevenson and Wolfers, 2008: 24).

فرض‌های اصلی این مطالعات بر این است که به‌طور حتم مردم می‌خواهند شاد باشند و ترجیح می‌دهند در فعالیتهایی شرکت کنند که آنها را شاد می‌کند نه فعالیت‌هایی که آنها را ناراحت می‌کند (مگر این که در عمل تجربه، چیز دیگری را نشان دهد). بحث شادی و نسبی بودن تعریف آن بسته به فرهنگ‌ها و دیگر عوامل مؤثر نشان می‌دهد که متغیری به‌نام شادی نه یک شاخص عینی، بلکه یک شاخص ذهنی است، به‌طوری‌که این شاخص در تحلیل‌های رفاهی، رفاه ذهنی^۱ را مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن افراد، سطح رفاه معینی را در ذهن خود و با توجه به اثر فاکتورهای گوناگون (اقتصادی و غیراقتصادی) درک و تجربه می‌کنند.

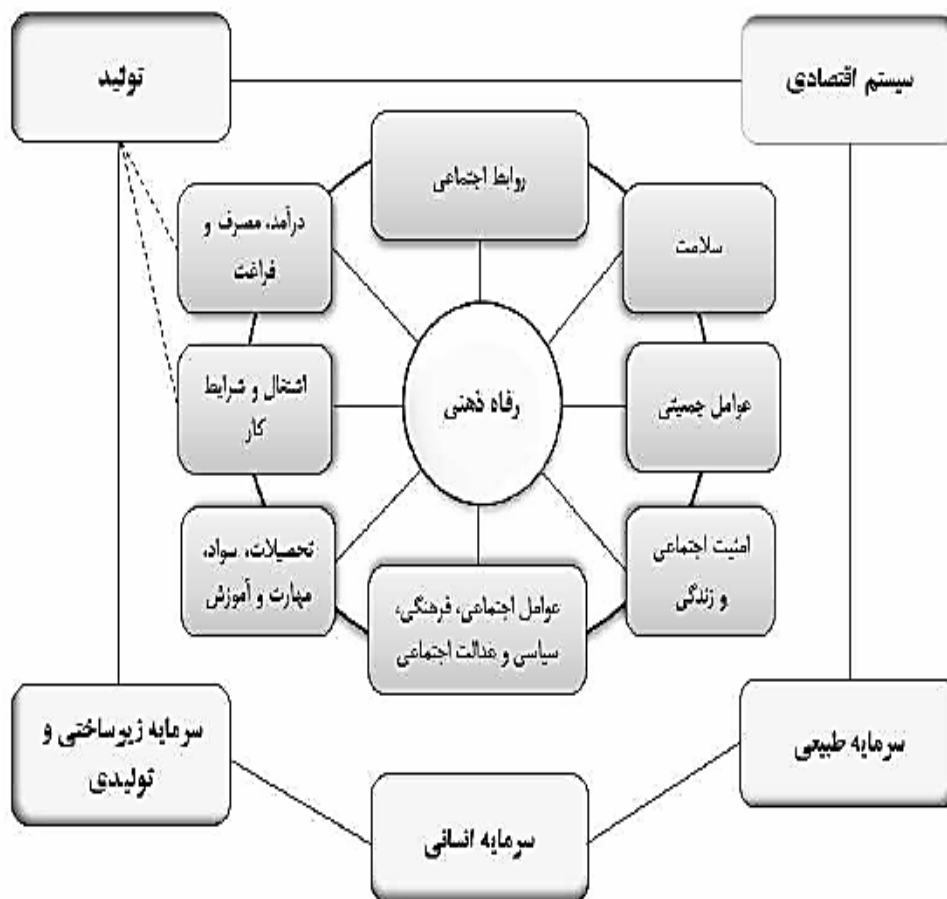
سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا افراد مختلف سطوح متفاوتی از شادی و رضایت‌مندی را در زندگی خود احساس می‌کنند؟ فاکتورهای گوناگونی را می‌توان برشمرد که بر سطح شادی افراد تأثیر می‌گذارند، در نتیجه یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران شادی، تجزیه و تحلیل این مسئله است که چه شرایطی بر سطح شادی و رضایت‌مندی فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد. اما نکته اصلی که باید در این مطالعه مورد توجه قرار گیرد، این است که پژوهش‌های مربوط به شادی اقتصادی نباید فقط به تحلیل فاکتورهای اقتصادی بر روی رفاه ذهنی افراد یا همان مقوله شادی، محدود شود. مطالعاتی که در زمینه شادی وجود دارند، می‌کوشند تا اهمیت نسبی جنسیت، شخصیت، عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به‌صورت کمی و کیفی مشخص کنند.

1. Subjective Well-Being

این عقیده که شادی هدف نهایی و بی‌چون و چرای افراد در زندگی است، مورد تردید قرار گرفته. شادی الزاماً تنها و مهم‌ترین هدف در زندگی افراد نیست. برای مثال نظریه تابع تولید اجتماعی^۱ که لیندنبگ و اسکرودر^۲ (۱۹۹۳) آن را تدوین کرده‌اند، دو هدف نهایی را که هر انسانی در زندگی خود به دنبال بهینه‌سازی آن است (رفاه جسمی و رفاه اجتماعی)، ارائه می‌کند. شادی هدف ثابتی که افراد در آرزوی رسیدن به آن باشند، نیست. بلکه شادی محصول زندگی خوب است که در بلندمدت رضایت از زندگی را به دنبال خود به همراه دارد.

همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، عوامل بسیاری بر رفاه ذهنی افراد تأثیرگذار هستند. رفاه ذهنی حاصل برآیند اثرات همه عوامل مؤثر بر زندگی فرد، اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. تمامی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد از فرایندهای تغییرات اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. فرایندهای تغییرات اجتماعی براساس مطالعه مانتزاوینوس^۳ و همکاران (۲۰۰۴)، از واقعیت آغاز شده و با اثرگذاری بر باورها، در نهایت نتیجه آن در واقعیات منعکس می‌شود. اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بازخورد نوع تفسیر ذهن انسان از این تغییرات و این‌که انسان‌ها چگونه به این تغییرات واکنش نشان می‌دهند، برای پژوهشگران روشن نیست؛ اما مدل‌های موجود علم اقتصاد نمی‌تواند بعد احساسی و ذهنی انسان را تبیین کند. از این نظر بررسی فاکتورهای روحی، روانی و احساسی نقش مهمی را در شناسایی افکار انسان برای انجام انواع انتخاب‌ها، ایفا می‌کنند.

-
1. Social Production Function Theory
 2. Lindenberg & Schreuder
 3. Mantzavinos et al.



نمودار ۱- عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد

مأخذ: می (۲۰۰۷)

به‌هرحال عوامل گوناگون اجتماعی - اقتصادی نظیر امید به زندگی، رشد جمعیت، توزیع درآمد، بیکاری، سطح تحصیلات، نرخ جرم و آزادی‌های مدنی می‌تواند از جمله موارد مؤثر بر شادی باشد (Li & Lu, 2009: 3). در ادامه به اختصار به بررسی

مهم‌ترین این متغیرها که در اکثر مطالعات تجربی و پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌پردازیم.

درآمد

چگونگی ارتباط بین درآمد (به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم اقتصادی) و شادی (یکی از متغیرهای ذهنی)، سؤال مهمی است که نظر اقتصاددانان را به‌خود جلب کرده و در مطالعات تجربی گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اجماع نظر بر این است که درآمد تأثیر مثبت بر روی رفاه فردی و شادی برجای می‌گذارد و این ارتباط از نظر آماری معنادار و از نظر مقداری و کمی نسبتاً کوچک است. گواه و شاهدی که برای این یافته‌ها وجود دارد، می‌توان در مطالعات افرادی مانند فری و استاتزر (۲۰۰۰) و ساکس و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده کرد. زیرا درآمد به‌علت ایجاد فرصت به‌دست آوردن کالاهای مورد خواست بشر و نیز به‌علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر، می‌تواند موجب افزایش رفاه و شادی شود. این درحالی است که نتایج تجربی اندکی از پژوهش‌ها، نظیر پژوهش استرلین (۱۹۷۴) حاکی از نبودن رابطه بین درآمد و سطح شادی است. یا این که نتایج مطالعه نابه و راتزل (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که اثر درآمد بر روی سطح شادی به‌شکل U معکوس است. به این صورت که با افزایش درآمد تا یک حد مشخص، شادی افزایش می‌یابد؛ اما بعد از گذشتن از این حد، چون تقاضا برای درآمدهای بالاتر نیازمند کار و تلاش بیشتری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است، سطح شادی کاهش می‌یابد.

تحصیلات

تحصیلات دارای تأثیر غیرمستقیم بر رفاه ذهنی و شادی افراد است. تحصیلات به افراد اجازه می‌دهد تا به اهداف و خواسته‌هایشان زودتر دست پیدا کنند یا با تغییرات اتفاق افتاده در دنیای اطراف‌شان بهتر تطابق یابند. از سوی دیگر، احتمالاً تحصیلات

انتظارات را بالا می‌برد. همان‌طور که کلارک و اسوالد^۱ (۱۹۹۴) نشان داده‌اند، افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افرادی که از سطح تحصیلات کم‌تری برخوردارند، زمانی که بیکار می‌شوند بیش‌تر دچار بحران روحی، تنش و اضطراب می‌شوند و یا به‌عبارت دیگر بیش‌تر آسیب می‌بینند. جدا از مسئله کار، این گروه افراد به‌دلیل سطح توقعات و انتظارات بالاتر، بیش‌تر آزار می‌بینند. بنابراین در صورتی که توقعات و انتظارات افراد برآورده نشود، تحصیلات می‌تواند با رفاه افراد تداخل ایجاد کند. برآورده نشدن انتظارات نیروی کار به‌دلیل بیکاری و یا نامناسب بودن شغل از نظر نامرتبط بودن با رشته تحصیلی، سطح پایین دستمزد، به ناتوانایی در به‌کارگیری آموزه‌های نظری به‌صورت عملی، منجر می‌شود تا تأثیر تحصیلات بر رضایت‌مندی و شادی تبدیل به یک فاکتور بی‌معنی و حتی منفی شود.

بیکاری و امید به زندگی

بیکاری یکی از عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی است. بیکاری اثرات مخرب روحی و جسمی متفاوتی در پی دارد. از جمله اثرات بیکاری می‌توان به افسردگی، تشویش و نگرانی، از دست رفتن اعتماد به نفس و کنترل روانی اشاره کرد. به‌علاوه، بیکاری از طریق فشارهای اجتماعی ناشی از ارزش شمرده شدن کار در اجتماع نیز بر سطح شادی و رفاه بیکار مؤثر است (Frey, 2008: 5). در مورد امید به زندگی نیز که در نتیجه افزایش سطح سلامت حاصل می‌شود می‌توان انتظار داشت که افزایش این متغیر اثر مثبت و چشم‌گیری بر روی سطح شادی داشته باشد (Graham, 2008).

محدودیت‌های مذهبی^۲

شاخص محدودیت‌های مذهبی با استفاده از قوانین، سیاست و اقداماتی که دولت‌ها بر اعتقادات مذهبی مردم وضع می‌کنند، قابل اندازه‌گیری است. این محدودیت‌ها شامل خشونت‌های فرقه‌ای، آزار و اذیت در نحوه لباس پوشیدن،

1. Clark & Oswald
2. Religious Restrictions

ممنوعیت گذاشتن ریش، ممنوعیت در ساخت مناره و عبادت‌گاه و بسیاری از محدودیت‌ها، تهدیدات و سوءاستفاده‌های مذهبی می‌شود. در برخی از کشورهای اسلامی، نظیر یمن، علیه مسیحیان با شیوه‌هایی نظیر جلوگیری از استخدام در بخش دولتی و تحصیل در دانشگاه دولتی تبعیض قائل شده و مروجین این ادیان را دستگیر می‌کنند. برخی کشورها محدودیت‌هایی در زمینه پوشیدن حجاب دارند. برای مثال در عمان زنان مجازند در عکس گذرنامه و برخی عکس‌های اداری روسری و حجاب داشته باشند ولی مجاز به حجاب کامل در عکس‌های رسمی نیستند؛ یا در کشور الجزایر دولت به کارمندان اجازه گذاشتن روسری یا صلیب بزرگ در محل کار داده ولی آنها را از نقاب گذاشتن منع کرده است. در کشورهایی نظیر فرانسه به مردم اجازه پوشیدن روسری و صلیب داده نمی‌شود (Grim, 2012: 854). به این ترتیب می‌توان به محدودیت‌ها و نداشتن آزادی مردم در سراسر کشورها با ادیان مختلف پی برد. در واقع آزادی دین و عقیده، به معنی آزادی در داشتن افکار شخصی و اعتقادات و همچنین آزادی برای عضویت در مکاتب مختلف فکری درون یک مذهب یا باورها و اعتقادات است (Dworkin, 2012: 2-3). به هر حال مشخص است که هرچه محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و در واقع مردم در انتخاب دین و تغییر عقاید خود آزادتر باشند، مردم رضایت و شادی بیشتری خواهند داشت. علاوه بر این برخی معتقدند وجود محدودیت‌های مذهبی ممکن است حداقل در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر تولیدات و رشد کشورها داشته باشد، همان‌طور که دیتون و استون^۱ (۲۰۱۳) رابطه منفی بین محدودیت‌های مذهبی و درآمد و بارو و مک‌کلیری^۲ (۲۰۰۳) رابطه منفی بین رشد اقتصادی و محدودیت مذهب را اثبات کرده‌اند. همچنین، مذهب بر سلامت جوامع نیز مؤثر بوده و این شاخص در جوامع سالم‌تر رفاه را بیش‌تر افزایش می‌دهد (Tao, 2008: 905).

1. Deaton & Stone
2. Barro & McCleary

در جمع‌بندی مطالب ارائه‌شده فوق می‌توان گفت که مبانی نظری حکایت از آن دارند که درآمد در افزایش شادکامی مؤثر است. بیکاری و محدودیت‌های مذهبی باعث کاهش و امید به زندگی باعث افزایش شدید شادکامی می‌شود. اما تأثیر متغیر تحصیلات در جوامع مختلف، متفاوت است. احتمالاً این تفاوت ناشی از تفاوت زیرساخت‌های اجتماعی جوامع مختلف است. تفاوت بازدهی آموزش از عوامل مهم تأثیرگذار بر چگونگی اثر این عامل بر شادکامی مردم کشورهای مختلف است. امید به زندگی، محدودیت‌های مذهبی و بیکاری عواملی هستند که به‌طور کلی در جوامع مختلف در مورد اثر آنها بر شادکامی اتفاق نظر وجود دارد.

روش پژوهش

با توجه به ادبیات موجود در زمینه اقتصاد شادی و مرور مطالعات تجربی انجام‌شده در این زمینه، می‌توان مدل بین‌کشوری عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شادی را به‌صورت زیر نوشت:

$$\text{Lnhap}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lnny}_{it} + \beta_2 (\text{Lnny}_{it})^2 + \beta_3 \text{Lnune}_{it} + \beta_4 \text{Lnlex}_{it} + \beta_5 \text{Lnedu}_{it} + \beta_6 \text{Lnrer}_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۱)

Lnhap_{it} : لگاریتم طبیعی سطح شادی کشور i در زمان t (متغیر وابسته). برای محاسبه سطح شادی روش‌های مختلفی براساس پرسش‌نامه‌های گوناگون وجود دارد. اما در این مقاله مشابه بسیاری از مطالعات انجام‌شده در زمینه اقتصاد شادی، شادی و رفاه ذهنی براساس شاخص رضایت از زندگی^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. چرا که در مطالعات گوناگون دیده شده که شاخص رضایت از زندگی را می‌توان معادل شادی دانست و رضایت از زندگی از اجزای شادی است. همچنین به‌دلیل کامل‌تر بودن اطلاعات مربوط شاخص رضایت از زندگی ترجیحاً از این شاخص استفاده شد. اصولاً

متغیر رضایت از زندگی به صورت میزان رضایت یا دید کلی هر فرد نسبت به کیفیت زندگی تعریف می‌شود. رضایت از زندگی شاخصی برای اندازه‌گیری رفاه، رضایت از روابط با دیگران و توانایی برای کنار آمدن با زندگی روزمره ارزیابی شده است. رضایت از زندگی با استفاده از وضعیت اقتصادی، میزان تحصیلات، تجارب و محل سکونت مردم و بسیاری از خصوصیات دیگر اندازه‌گیری می‌شود (پایگاه جهانی اطلاعات شادی)^۱. در حقیقت رضایت از زندگی این مسائل را بازگو می‌کند که تا چه اندازه نیازهای اساسی فرد در زندگی برآورده شده‌اند و تا چه اندازه دیگر اهداف قابل دسترسی هستند (Cummins and Nistico, 2002: 39). اما شاخص شادی یا بهزیستی ذهنی با توجه به احساساتی مانند لذت و افتخار دستاوردهای مثبت یا در مقابل آن احساس درد، نگرانی و غمگینی اندازه‌گیری می‌شود. در این راستا آرگایل (۱۳۸۲): (۳۸۴) معتقد است که شادمانی سه جزء اساسی دارد: هیجانات مثبت، رضایت از زندگی و فقدان عواطف منفی. بنابراین می‌توان رضایت از زندگی را جزئی از احساس شادمانی در نظر گرفت.

در روش شاخص رضایت از زندگی از فرد پرسیده می‌شود: «شما با در نظر گرفتن تمام وجوه زندگی، چقدر از زندگی تان رضایت دارید؟». افراد در پاسخ به سؤال مذکور، عددی بین ۱ تا ۱۰ را انتخاب کرده‌اند. به تعبیری دیگر در مورد این سؤال برای مثال گفته می‌شود که فرض کنید زندگی شما مانند نردبانی دارای ۱۰ پله باشد، در یک دید کلی نسبت به زندگی تان شما روی کدام پله قرار گرفته‌اید. عدد ۱ بیانگر نارضایتی کامل و عدد ۱۰ بیانگر رضایت کامل بوده است. اطلاعات مربوط به رضایت از زندگی کشورهای مورد بررسی از پایگاه جهانی اطلاعات شادی جمع‌آوری شده است.

Ln_{yt}: لگاریتم طبیعی میزان درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) برحسب دلار آمریکا به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵) کشور i در زمان t. علاوه بر این متغیر،

1. World Data base of Happiness (WDH)

مجذور آن نیز وارد مدل شده است. دلیل این امر آن است که برخی از مطالعات تجربی نظیر مطالعه نابه و راتزل (۲۰۱۰)، معتقدند که اثر درآمد بر روی سطح شادی به شکل U معکوس است. به این صورت که با افزایش درآمد تا یک حد مشخص، شادی افزایش می‌یابد؛ اما بعد از گذشتن از این حد، چون تقاضا برای درآمدهای بالاتر نیازمند کار و تلاش بیش‌تری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است، سطح شادی کاهش می‌یابد. بر این اساس و با توجه به معناداری و علامت ضرایب درآمد سرانه و مجذور درآمد سرانه، حالت‌های گوناگونی برای شکل نوع وابستگی درآمد و شاخص‌های شادی قابل‌پیش‌بینی است. اگر β_1, β_2 هر دو از لحاظ آماری بی‌معنا باشند، به مفهوم نبودن ارتباط بین درآمد و شادی در مدل است. اگر β_2 از لحاظ آماری بی‌معنا و β_1 معنادار باشد، به معنی وجود ارتباط خطی بین متغیرهای مذکور است، که چنانچه $\beta_1 > 0$ باشد، این ارتباط خطی افزایشی و چنانچه $\beta_1 < 0$ باشد، این ارتباط خطی کاهش‌ی است. اگر β_1, β_2 هر دو از لحاظ آماری معنادار باشند، تابع درجه‌دو است. در این حالت چنانچه $\beta_2 > 0$ و $\beta_1 < 0$ باشد، به معنی ارتباط U شکل بین درآمد سرانه و شادی است. درحالی‌که اگر $\beta_2 < 0$ و $\beta_1 > 0$ باشد، نشان‌دهنده ارتباط U شکل معکوس بین متغیرهای است. در این حالت می‌توان نقطه بازگشت (درآمد ماکزیم‌کننده شادی) تابع را به صورت $hap^* = \exp\left(-\frac{\beta_1}{2\beta_2}\right)$ محاسبه کرد. منبع داده‌های این متغیر، شاخص‌های توسعه جهانی^۱ است.

$Lnune_{it}$: لگاریتم طبیعی نرخ بیکاری (برحسب درصد) کشور i در زمان t . همان‌طور که در قسمت مبانی نظری پژوهش توضیح داده شده است، با افزایش نرخ بیکاری، سطح شادی و رضایت از زندگی کاهش می‌یابد. بنابراین انتظار بر آن است که علامت ضریب تخمینی این متغیر منفی باشد. منبع داده‌های این متغیر، شاخص‌های توسعه جهانی است.

Lnlex_{it}: لگاریتم طبیعی امید به زندگی کشور i در زمان t . براساس مبانی نظری توضیح داده شده و مطالعات تجربی، انتظار می‌رود که علامت ضریب این متغیر مثبت و قابل توجه باشد. منبع داده‌های این متغیر، شاخص‌های توسعه جهانی است.

Lnedu_{it}: لگاریتم طبیعی متوسط سال‌های تحصیل کشور i در زمان t . براساس مبانی نظری توضیح داده شده و مطالعات تجربی، در مورد علامت ضریب این متغیر نمی‌توان از قبل قضاوت قطعی داشت. منبع داده‌های این متغیر، پایگاه مؤسسه آماری یونسکو^۱ است.

Lnrer_{it}: لگاریتم طبیعی میزان محدودیت‌های مذهبی کشور i در زمان t . این متغیر نشان‌دهنده محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت و جامعه بر اعتقادات مذهبی مردم است. به‌طور کلی برای اندازه‌گیری این متغیر از دو شاخص محدودیت‌های دولت^۲ و خصومت‌های اجتماعی^۳ استفاده می‌شود. شاخص محدودیت‌های دولت، قوانین، سیاست‌ها و اقدامات دولتی را که سبب محدود کردن اعتقادات مذهبی و یا تغییر شیوه آنها می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. این در حالی است که شاخص خصومت‌های اجتماعی، اعمال محدودیت‌های مذهبی از سوی افراد خصوصی، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. همچنین، این شاخص شامل خشونت‌های اوباش یا فرقه‌ها و آزار و اذیت در مورد نحوه پوشش که به دلایل مذهبی رخ می‌دهند و دیگر تهدیدها و سوءاستفاده‌های مربوط به دین است.^۴ مقدار شاخص‌های یادشده بین دو عدد ۰ (نبودن محدودیت مذهبی) و ۱۰ (محدودیت مذهبی کامل) است که از سوی مرکز تحقیقاتی انجمن دین و زندگی عمومی پیو^۵ محاسبه و ارائه شده است. در این پژوهش به‌منظور

-
1. <http://www.uis.unesco.org>
 2. Government Restrictions Index (GRI)
 3. Social Hostilities Index (SHI)
 4. www.theguardian.com/news/datablog/2014/sep/20/religious
 5. Pew Research Religion & Public Life

بررسی دقیق‌تر و آزمون ثبات و استحکام نتایج به‌دست‌آمده از هر دو شاخص که از منبع یادشده جمع‌آوری شده‌اند، استفاده شده است.

شایان ذکر است که مدل فوق با استفاده از اطلاعات ۶۱ کشور جهان (شامل ایران) در سال ۲۰۱۰ (آخرین سال وجود تمام داده‌ها برای کشورهای مورد مطالعه بالاخص داده‌های شادی) تخمین زده می‌شود. دلیل انتخاب این کشورها این است که تمام اطلاعات و داده‌های آن موجود بوده است. نام این کشورها به همراه داده‌های شادی و محدودیت‌های مذهبی آنها در جدول پیوست آمده است. همچنین به‌منظور تخمین مدل از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ استفاده شده است. زیرا هنگام استفاده از اطلاعات مقطعی، به‌دلیل وجود مشکل ناهمسانی واریانس (که در پژوهش حاضر با آزمون وایت تأیید شده)، به‌منظور رفع یا تقلیل این مشکل از روش GLS استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ اطلاعاتی آماری در مورد مقدار متوسط، حداقل، حداکثر، انحراف معیار و ضریب تغییرات هر متغیر در بین کشورهای مورد بررسی مشاهده می‌شود. براساس جدول مذکور، بیش‌ترین و کم‌ترین پراکندگی به‌ترتیب مربوط به متغیرهای درآمد سرانه و امید به زندگی است. به‌عبارت دیگر این متغیرها به‌ترتیب کم‌ترین و بیش‌ترین مشابهت را در کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. با مرور آماره‌های توصیفی متغیر شادی ملاحظه می‌شود که بیش‌ترین مقدار این متغیر برابر با ۷/۶۰، متعلق به کشورهای هلند و نروژ است. بنابراین این کشورها را می‌توان شادترین کشورهای جهان به‌حساب آورد. کم‌ترین مقدار این متغیر نیز ۳/۶۰ است که به کشورهای آفریقای مرکزی و بوتسوانا

1. Generalized Least Squares (GLS)

(غمگین‌ترین کشورهای جهان) تعلق دارد. کشور ایران نیز با شاخص ۴/۸۰، از لحاظ شادی در رتبه‌های میانی کشورهای مورد مطالعه قرار گرفته است.

در مورد متغیر درآمد سرانه، بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار آن به ترتیب متعلق به کشورهای نروژ و اتیوپی است. این در حالی است که کشور ایران با درآمد سرانه‌ای معادل با ۳۲۵۹/۳۹ دلار، از مقدار متوسط درآمد سرانه کشورهای جهان پایین‌تر قرار دارد. در مورد نرخ بیکاری به‌عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی، بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار آن به ترتیب متعلق به کشورهای آفریقای جنوبی با ۲۴/۷۰ درصد و تایلند با حدود ۱ درصد است. این در حالی است که کشور ایران با نرخ بیکاری معادل با ۱۳/۴۸ درصد، نرخ بیکاری بالاتری از میانگین کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ را تجربه کرده است.

متوسط امید به زندگی کشورهای مورد مطالعه ۷۰/۹۰ سال است که بیش‌ترین مقدار آن با ۸۲/۸۴ سال متعلق به کشور ژاپن و کم‌ترین مقدار آن با ۴۶/۴۴ سال به کشور بوتسوانا اختصاص دارد. متوسط امید به زندگی در کشور ایران نیز در سال ۲۰۱۰، ۷۳/۱۳ سال بوده است که از میانگین کشورهای مورد مطالعه بیش‌تر است. کشور ایران در بین متغیرهای مورد بررسی تنها از لحاظ این متغیر در وضعیت بهتری از متوسط کشورهای جهان قرار گرفته است. در مورد متوسط سال‌های تحصیل، بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار آن در کشورهای مورد مطالعه به ترتیب متعلق به کشورهای آمریکا با ۱۲/۹ سال و مراکش با حدود ۲ سال است. این در حالی است که کشور ایران با متوسط سال‌های تحصیل معادل با ۷/۹ سال، میانگین تحصیلات کم‌تری از متوسط کشورهای مورد مطالعه را داشته است. به‌طور کلی کشورهای آفریقایی از لحاظ این متغیر نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه وضعیت چندان مطلوبی ندارند.

در مورد متغیر محدودیت‌های مذهبی که با توجه به بررسی پژوهشگران هرساله در حال افزایش است، براساس شاخص محدودیت‌های دولت، کشورهای عربستان، اندونزی و افغانستان بالاترین رتبه‌ها را در بین کشورهای مورد مطالعه دارند. این در

حالی است که کشورهای اروگوئه و مونته‌نگرو از لحاظ این شاخص کم‌ترین محدودیت مذهبی را داشته‌اند. براساس شاخص خصومت‌های شخصی نیز کشورهای نیجریه و افغانستان بالاترین میزان محدودیت مذهبی و کشورهای اروگوئه، السالوادور، پرو، کره جنوبی، اکوادور، بوتسوانا و بلیز کم‌ترین محدودیت مذهبی را در بین کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. مقدار شاخص‌های فوق برای کشور ایران نیز حاکی از بالاتر بودن محدودیت‌های مذهبی در ایران از مقدار متوسط آن در بین کشورهای مورد مطالعه است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در سال ۲۰۱۰

متغیر	متوسط	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
شادی	۵/۶۵	۷/۶۰	۳/۶۰	۱/۰۳	۰/۲۳
درآمد سرانه	۱۰۹۴۸/۱۶	۶۴۵۸۹/۹۸	۲۳۸/۶۳	۱۵۰۶۲/۰۵	۱/۳۸
نرخ بیکاری	۸/۶۷	۲۴/۷۰	۱	۵/۷۲	۰/۶۶
امید به زندگی	۷۰/۹۰	۸۲/۸۴	۴۶/۴۴	۸/۸۴	۰/۱۲
متوسط سال‌های تحصیل	۸/۴۱	۱۲/۹۰	۲	۲/۵۲	۰/۳۰
محدودیت‌های دولت	۳/۲۷	۸/۶۰	۰/۳	۲/۴۹	۰/۷۶
خصومت‌های اجتماعی	۲/۴۶	۷/۸۰	۰	۲/۳۵	۰/۹۵

مأخذ: محاسبات پژوهش

نتایج حاصل از تخمین مدل به روش GLS و با در نظر گرفتن محدودیت‌های دولت به عنوان شاخص محدودیت‌های مذهبی در جدول ۲ آمده است. براساس نتایج به دست آمده در ستون دوم (تخمین مدل درجه دو)، اگرچه همه متغیرهای مدل، علامت مورد انتظار را دارند ولی از نظر معناداری آماری ضرایب رضایت بخش نبوده و با توجه به عدم معناداری بالای ضریب مجذور درآمد سرانه، این متغیر از مدل حذف و مدل پژوهش به صورت تابع خطی از درآمد سرانه (درجه یک) برآورد شده و نتایج این برآورد در ستون سوم جدول ۲ آمده است. با توجه به افزایش معناداری آماری ضرایب و قوت نتایج به دست آمده در این حالت، مدل خطی به عنوان مدل پایه مورد استناد قرار می‌گیرد. بنابراین نتایج این پژوهش، برخلاف نتیجه مطالعه نابه و راتزل (۲۰۱۰) وجود رابطه U معکوس بین درآمد سرانه و شادی را رد می‌کند.

همچنین، حذف متغیر مجذور درآمد سرانه باعث افزایش قدرت توضیح دهنده مدل شده است؛ به گونه‌ای که مدل خطی قادر است حدود ۶۴ درصد از تغییرات سطح شادی در بین کشورهای جهان در دوره مورد مطالعه را توضیح دهد. بر اساس آماره $F_{8/11}$ نیز سطح اطمینان به برازش الگو بیش از ۹۹ درصد بوده است.

جدول ۲- نتایج تخمین مدل به روش GLS (شاخص محدودیت‌های مذهبی):

محدودیت‌های دولت

متغیر وابسته: $Lnhap_{it}$						
متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
ثابت	-۰/۲۵۲	-۱/۲۳۵	۰/۲۱	-۰/۲۲۱	-۱/۳۲۱	۰/۱۹
Lny_{it}	۰/۰۵۲	۱/۵۳۸	۰/۱۲	۰/۰۷۸	۳/۳۸۲	۰/۰۰
$(Lny_{it})^2$	-۰/۰۰۲	-۰/۶۶۵	۰/۴۱	-	-	-
$Lnune_{it}$	-۰/۰۲۵	-۱/۸۵۲	۰/۰۷	-۰/۰۲۵	-۱/۸۵۲	۰/۰۷
$Lnlex_{it}$	۰/۳۸۱	۵/۱۲۱	۰/۰۰	۰/۳۸۲	۵/۱۴۲	۰/۰۰

۰/۱۰	۱/۶۱۶	۰/۰۱۱	۰/۲۰	۱/۲۶۶	۰/۰۱۱	$Lnedu_{it}$
۰/۰۳	-۲/۲۴۱	-۰/۰۴۸	۰/۰۴	-۲/۰۹۸	-۰/۰۴۱	$Lngri_{it}$
$R^2 = ۰/۶۲$ $F=۸/۱۱ (۰/۰۰)$			$R^2 = ۰/۵۵$ $F=۸/۰۵ (۰/۰۰)$			

مأخذ: محاسبات تحقیق

بر مبنای نتایج این پژوهش، از جمله عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی، سطح درآمد مردم است و همان‌طور که در ستون سوم جدول ۲ مشاهده می‌شود ضریب درآمد سرانه در سطح اطمینان ۹۹ درصد با شادی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد. بر این اساس می‌توان گفت کشورهای با درآمد سرانه بالاتر شادتر هستند و با افزایش یک درصدی درآمد سرانه میزان شادی حدود ۰/۰۷۸ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های تجربی بسیاری از پژوهشگران نظیر: فری و استاتزر (۲۰۰۲)، ون‌پراگ و کربونل (۲۰۰۴) و ساکس و همکاران (۲۰۱۲) که نشان‌دهنده بالاتر بودن سطح شادی در کشورهای ثروتمندتر است، همسوست. براساس ضریب نرخ بیکاری می‌توان گفت که رابطه نرخ بیکاری و شادی هم‌جهت و همسو نیست و مطابق انتظار است؛ به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در نرخ بیکاری، میزان شادی ۰/۰۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. هرچند که این میزان اثرگذاری اندک است؛ اما اثر منفی و البته معنادار (در سطح اطمینان ۹۳ درصد) بر سطح شادی کشورهای مورد مطالعه دارد. نتیجه به دست آمده در زمینه اثر منفی بیکاری بر شادی، همسویی نزدیکی با نتایج مطالعات روپراه و لیوانگاس (۲۰۱۰) و بختیاری و فتح‌آبادی (۱۳۸۹) دارد. براساس ضریب متغیر امید به زندگی، تأثیر آن بر شادی مثبت و در سطح بسیار بالایی معنادار و میزان اثرگذاری آن بیش از دیگر متغیرهاست. این موضوع نشان می‌دهد که امید به زندگی با میزان شادی رابطه تنگاتنگی دارد و هرچه امید به زندگی بالاتر باشد، سطح شادی نیز بالاتر است. با افزایش یک درصدی در امید به زندگی، سطح شادی معادل ۰/۳۸۲ درصد افزایش خواهد یافت.

براساس نتایج به دست آمده تأثیر تحصیلات بر شادی مثبت، اما بسیار اندک و از معناداری کمتری، نسبت به سایر متغیرهای توضیحی مدل، برخوردار است. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در این متغیر تنها افزایش چیزی حدود ۰/۰۱۱ درصد در سطح شادی را می‌توان انتظار داشت. همان‌طور که در قسمت مبانی نظری پژوهش توضیح داده شده است، انتظار بر آن است که با افزایش سطح تحصیلات از طریق دستیابی به اهداف و خواسته‌های فردی، میزان شادی افزایش یابد، اما چنانچه توقعات و انتظارات افراد تحصیل کرده برآورده نشود، تحصیلات بالاتر می‌تواند با رفاه افراد تداخل پیدا کرده و باعث عدم معناداری این متغیر و حتی کاهش شادی شود. تأثیر اندک و معناداری ضعیف اثر تحصیلات بر شادی، در بسیاری از مطالعات نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات کمپل^۱ (۱۹۸۱) و ویتتر و همکاران^۲ (۱۹۸۴) نشان‌دهنده رابطه ضعیف بین تحصیلات و شادی، به دلیل کواریانس شادی با درآمد یا وضعیت شغلی و حرفه‌ای افراد است. به این صورت که تحصیلات تنها به صورت غیرمستقیم به رفاه وابسته‌اند. این نتیجه با نتایج مطالعاتی که در این زمینه انجام شده‌اند، تأیید می‌شود. داینر و همکاران^۳ (۱۹۹۲) نشان داده‌اند، در صورتی که در بررسی رابطه بین تحصیلات و شادی، اثر درآمد کنترل شود، احتمالاً رابطه غیرمعنادار و حتی منفی نیز به دست می‌آید. از سوی دیگر، اگر وضعیت شغلی و حرفه‌ای افراد نیز به جای درآمد در کانون توجه قرار گیرد، نتایج به همان صورت خواهد بود. زمانی که ویتتر و همکاران (۱۹۸۴) وضعیت شغلی افراد را کنترل کردند، به این نتیجه رسیدند که متوسط اندازه تأثیر تحصیلات بر روی شادی از ۰/۱۳ به ۰/۰۶ کاهش می‌یابد. بنابراین یکی از دلایل مهم رابطه اندک بین تحصیلات و شادی، وجود همبستگی بین تحصیلات با وضعیت شغلی و حرفه‌ای و درآمد است.

1. Campbell
2. Witter et al.
3. Diener et al.

در مورد محدودیت‌های مذهبی مشاهده می‌شود که ضریب شاخص اندازه‌گیری آن یعنی محدودیت‌های دولت، در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنادار است. با افزایش یک درصدی در این شاخص، سطح شادی معادل ۰/۰۴۸ درصد کاهش خواهد یافت. در واقع یکی از عوامل مؤثر بر شادی و رضایت مردم از زندگی، محدودیت‌هایی است که دولت‌ها بر عقاید مذهبی مردم دارند و این سبب می‌شود گروه‌های مختلف مذهبی دارای درجات مختلفی از شادی باشند. هر چه محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و در واقع مردم در انتخاب دین و تغییر عقاید آزادتر باشند، مردم رضایت بیشتری خواهند داشت. در مطالعات گوناگون با توجه به این‌که از چه نوع اطلاعاتی در مورد مذهب استفاده شده، نتایج گوناگونی حاصل شده است. به‌طور مثال مطالعات کلارک و لکز (۲۰۰۹) و لیم و پاتنام (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که مذهب تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت از زندگی دارد. لازم به ذکر است که در این مطالعه از شاخص محدودیت‌های وضع شده دولت‌ها در زمینه دخالت آنها در دین و ایمان مردم به‌عنوان شاخص مذهب استفاده شده است. با توجه به نتایج، هرچه دخالت دولت‌ها و محدودیت‌های وضع شده کم‌تر باشد، مردم جامعه از زندگی راضی‌تر خواهند بود.

حال به‌منظور بررسی دقیق‌تر و استحکام نتایج به‌دست آمده در قسمت قبلی، مجدداً مدل پژوهش را با در نظر گرفتن خصومت‌های اجتماعی به‌عنوان شاخص محدودیت‌های مذهبی تخمین می‌زنیم. نتایج این تخمین در جدول ۳ آمده است. براساس نتایج ستون دوم این جدول، ضریب متغیر مجذور درآمد سرانه همانند حالت قبل، در سطح بسیار پایینی معنادار شده است و برخی از متغیرها نیز معناداری لازم را ندارند. به‌همین دلیل مدل پژوهش با حذف این متغیر تخمین زده شده و نتایج آن در ستون سوم جدول ۳ آمده است. با توجه به افزایش قدرت توضیح‌دهندگی و معناداری متغیرها، همانند حالت قبل، این مدل (مدل خطی) به‌عنوان مدل پایه مورد تحلیل قرار می‌گیرد و رابطه غیرخطی بین شادی و درآمد سرانه رد می‌شود. همان‌طور که مشخص است ضرایب تخمینی مدل خطی در حالتی که خصومت‌های شخصی به‌عنوان شاخص

اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی در نظر گرفته می‌شود نسبت به زمانی که محدودیت‌های دولت، شاخص اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی است، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است. بنابراین تفسیر نتایج تجربی همانند قبل است و استحکام نتایج به دست آمده قبلی تأیید می‌شود.

جدول ۳- نتایج تخمین مدل به روش GLS (شاخص محدودیت‌های مذهبی):
 خصومت‌های اجتماعی

متغیر وابسته: $Lnhap_{it}$						
متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
ثابت	-۰/۱۸۵	-۱/۲۳۵	۰/۲۱	-۰/۱۶۲	-۱/۳۲۱	۰/۱۹
Lny_{it}	۰/۰۶۴	۱/۵۳۸	۰/۱۲	۰/۰۸۲	۳/۲۹۵	۰/۰۰
$(Lny_{it})^2$	-۰/۰۰۳	-۰/۶۶۵	۰/۴۱	-	-	-
$Lnune_{it}$	-۰/۰۲۲	-۱/۹۸۴	۰/۰۵	-۰/۰۲۲	-۱/۹۸۵	۰/۰۵
$Lnlex_{it}$	۰/۳۹۱	۵/۱۹۶	۰/۰۰	۰/۳۹۵	۵/۲۱۲	۰/۰۰
$Lnedu_{it}$	۰/۰۰۹	۱/۱۹۵	۰/۲۲	۰/۰۰۹	۱/۵۴۲	۰/۱۲
$Lnshi_{it}$	-۰/۰۲۱	-۲/۰۰۲۱	۰/۰۵	-۰/۰۲۴	-۲/۴۴۱	۰/۰۲
		$R^2 = ۰/۵۲ \quad = FV/۸۵ (۰/۰۰)$				$R^2 = ۰/۵۸ \quad = F۸/۰۴ (۰/۰۰)$

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتیجه‌گیری

امروزه بحث شادی یکی از مباحث مطرح اقتصادی است که تحت عنوان اقتصاد شادی در کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته تا تأثیر فاکتورهای غیرمادی را در رفتارهای اقتصادی مورد بررسی قرار دهند. زیرا افزایش شادی و به تبع آن رفاه، سبب افزایش میزان بهره‌وری و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر خواهد شد. به همین منظور در

این پژوهش نیز تلاش شده عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شادی در ۶۱ کشور جهان مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور با استفاده از اطلاعات مقطعی کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۱۰ و با استفاده از تحلیل‌های اقتصادسنجی و به کمک برآوردگر GLS، تأثیر درآمد سرانه، بیکاری، تحصیلات، امید به زندگی و محدودیت‌های مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج حاکی از آن است که بین درآمد سرانه و شادی کشورها یک رابطه خطی و مثبت و معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در درآمد سرانه، به طور متوسط سطح شادی $0/08$ درصد افزایش خواهد یافت. افزایش امید به زندگی با شادی بالاتری همراه خواهد بود و افزایش بیکاری و محدودیت‌های مذهبی سبب کاهش شادی و رضایت از زندگی مردم می‌شود. یک درصد افزایش در این متغیرها به ترتیب، به طور متوسط سطح شادی را $0/39$ درصد افزایش، $0/02$ درصد کاهش و $0/03$ درصد کاهش خواهد داد. همچنین تأثیر تحصیلات بر سطح شادی مثبت، اما از نظر عددی اندک و در مقایسه با سایر متغیرها از معناداری کم‌تری برخوردار است. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در این متغیر، به طور متوسط سطح شادی حدود $0/01$ درصد افزایش خواهد یافت.

با توجه به این که ضریب تأثیرگذاری امید به زندگی بر شادی، از دیگر متغیرهای توضیحی بیش‌تر است، می‌توان گفت که این متغیر نقش مهمی در افزایش سطح شادی در جوامع مختلف داشته است. بر این اساس، دولت‌ها می‌توانند با در اولویت قرار دادن ارتقای سطح سلامت (که امید به زندگی از شاخص‌های مهم اندازه‌گیری آن است) از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، میزان شادی و رضایت از زندگی را در جوامع مختلف به میزان قابل توجه‌ای افزایش دهند. از سوی دیگر، براساس دیگر نتایج می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت کاهش میزان بیکاری و محدودیت‌های مذهبی و افزایش سطح درآمد سرانه نقش بسزایی در افزایش سطح شادی خواهد داشت.

همچنین، توجه به اثرات منفی بیکاری و تلاش برای کاهش آن در جوامع مختلف، می‌تواند کمک قابل توجهی به افزایش اثرگذاری مثبت تحصیلات بر سطح شادی کند.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی شادی*. ترجمه فاطمه بهرامی؛ مسعود گوهری‌انارکی؛ حمیدطاهر نشاط‌دوست؛ حمید پالاهنگ. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بختیاری، صادق؛ مهدی فتح‌آبادی. (۱۳۸۹). «رابطه بیکاری و تورم با شادی و رفاه: مطالعه تجربی برای منتخبی از کشورهای آسیایی». *گزارش راهبردی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۱۳۱.
- کجباف، محمدباقر؛ پریناز سجادیان؛ محمد کاویانی؛ حسن انوری. (۱۳۹۰). «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان». *فصلنامه روان‌شناسی و دین*. ۴ (۴): ۶۱-۷۴.
- خسروی، صدراله؛ امید قمرانی؛ محمدرضا بردیده. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد». *مجله مشاور مدرسه*. ۶ (۱): ۸-۱۴.
- کریمی‌نوری، رضا؛ آذرخش مگری، محمد محمدی‌فر؛ اسماعیل یزدانی. (۱۳۸۱). «مطالعه عوامل مؤثر بر شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱ (۳۲): ۳-۴۱.
- محمدزاده، پرویز؛ حسین اصغرپور؛ امید منیعی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*. ۴۸: ۱۳۹-۱۵۸.
- نیلی، فرهاد و بهزاد بابازاده خراسانی. (۱۳۹۱). «شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران». *پژوهش‌های پولی بانکی*. ۱۴ (۶): ۲۷-۴۸.

- Alon, I & Chase, G. (2005). Religious Freedom and Economic Prosperity. *Cato Journal*. 2 (25): 399-406.
- Barro, R. J. & McCleary, R. M. (2003). Religion and Economic Growth across Countries. *American Sociological Review*. 68 (5): 760-781.
- Bartolini, S. & Sarracino, F. (2011). Happy for How Long? How Social Capital and GDP Relate to Happiness over Time. *Department of Economics University of Siena*, Working Paper. 261.
- Campante, F. & Yanagizawa-Drott, D. (2013). Does Religion Affect Economic Growth and Happiness? Evidence from Ramadan. *NBER Working Paper*.
- Campbell A. (1981). *The Sense of Well-Being in America*. New York, McGraw-Hill.
- Campbell A., Converse, P.E., & Rodgers, W.L. (1979). *The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfaction*. 6(4): 487-490.
- Clark, A. E., Frijters, P. & Shields, M. A. (2008). Relative Income, Happiness and Utility: An Explanation for the Easterlin Paradox and Other Puzzles. *Journal of Economic Literature*. 46 (1): 95-144.
- Clarke, A. E. & Lelkes, O. (2009). *Let Us Pray: Religious Interactions in Life Satisfaction*. Working Paper. 2009-01. Paris School of Economics.
- Clark, A.E., & Oswald, A. J. (1994). Unhappiness and Unemployment. *Economic Journal*. 104 (424): 648-659.
- Cummins, R.A. & Nistico, H. (2002). Maintaining Life Satisfaction: The Role of Positive Cognitive Bias. *Journal of Happiness Studies*. (3): 37-69.

- Deaton, A. & Stone, A. A. (2013). Two Happiness Puzzles. *American Economic Review Papers and Proceedings*. 103(3): 91-97.
- Di Tella, R., MacCulloch, R. J. & Oswald, A.J. (2003). The Macroeconomics of Happiness. *Review of Economics and Statistics*. 85 (4): 809-827.
- Diener, E., Tay, L. & Oishi, S. (1992). Rising Income and the Subjective Well-Being of Nations. *Journal of Personality and Social Psychology*. 104 (2): 267-276.
- Dworkin, R. M. (2012). Is there a Right to Religious Freedom?:1-19. Available at <http://www.law.ucla.edu/workshopscolloquia/Documents/Dwrkin.Is%20There%20a%20Right%20to%20Religious%20Freedom.pdf>.
- Easterlin, R. A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. in David P.A. and Reder, M.W. (eds.). *Nations and Households in Economic Growth: Essays in Honour of Moses Abramowitz*, Academic Press, New York and London, 89-125.
- Frey, B.S. (2008). *Happiness: A Revolution in Economics*, MIT Press. Cambridge, Mass.
- Frey, B.S. & Stutzer, A. (2000). Happiness, Economy and Institutions. *Economic Journal*. 110 (446): 918-938.
- Frey, B. S. & Stutzer, A. (2002). *Happiness and Economics, How the Economy and Institutions Affect Human Well-being*. Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- Graham, C. (2008). *Happiness around the World*. Oxford University Press.
- Grim, B.J. (2012). Rising Restrictions on Religion: A Global Overview. *Brigham Young University Law Review*. (3): 834-871.

- Gropper, D.M., Lawson, R.A. & Thorne Jr, J.T. (2011). Economic Freedom and Happiness. *Cato Journal*. 31 (2): 237-255.
- Headey, B., Schupp, J., Tucci, I. & Wagner, G.G. (2010). Authentic Happiness Theory Supported by Impact of Religion on Life Satisfaction: A Longitudinal Analysis with Data for Germany. *The Journal of Positive Psychology*. 5 (1): 73-82.
- Johns, H., Ormerod, P. (2008). The Unhappy thing about Happiness Economics. *Real World Economics Review*. (46): 139–146.
- Kenny, C. (1999). Does Growth Cause Happiness, or Does Happiness Cause Growth?. *KYKLOS*. 52: 3-26. Washington, DC.
- Knabe, A., & Rätzl, S. (2010). Income, happiness, and the disutility of labor. *Journal of Economics Letters*. 107 (1): 77–79.
- Kula, M.C., Panday, P. & Mantia, K. (2010). Real GDP, Well-being, and Happiness. *International Journal of Arts and Sciences*. 3 (7): 431 – 443.
- Li, B. & Lu, Y. (2009). Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth. *Conference on Improving the Human Destiny*. 11-12 June 2009. Lingnan University. 1-17.
- Lim, Ch. & Putnam, R. D. (2010). Religion, Social Networks and Life Satisfaction. *American Sociological Review*. 75 (6): 914–933.
- Lindenberg, S. and Schreuder, H. (1993). *Interdisciplinary Perspectives on Organization Studies*. Oxford, Pergamon Press.
- Perovic, L., MihaljevicKosor, M. & Filipic, P. (2011). The Relative Importance of Religious Denominations for Life Satisfaction. *Journal of Applied Economics & Business Research*. 1 (3): 162-176.
- Mangeloja, E. (2005). Economic Growth and Religious Production Efficiency. *Applied Economics*. 37 (20): 2349-2359.

- Mantzavinos, C., North, C.D., Shariq, S. (2004). *Learning, Institutions, and Economic Performance*, Perspectives on Politics. 2 (1): 75-84.
- May, D. (2007). *Determinants of Well-Being. Newfoundland and Labrador Statistics Agency*, www.budgaultonphotography.com.
- Pennock, M. & Ura, K. (2010). Gross National Happiness as a Framework for Health Impact Assessment. *Environmental Impact Assessment Review*. 31: 61-65.
- Pfaff, T. & Hirata, J. (2013). Testing the Easterlin Hypothesis with Panel Data: The Dynamic Relationship between Life Satisfaction and Economic Growth in Germany and in the UK. *SOEP Paper*. 554:1-42.
- Pouwels, B., Siegers, & Vlasblom. (2007). Income, working hours and happiness. *Economics Letters*. 99 (1): 72-74.
- Ruprah, I. J. & Luengas, P. (2010). Monetary policy and Happiness: Preferences over Inflation and Unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*.
- Sacks, D. W., Stevenson, B. & Wolfers, J. (2012). The New Stylized Facts about Income and Subjective Well-Being. *Emotion*. 12 (6): 1181-1187.
- Stevenson, B., & Wolfers, J. (2008). *Economic Growth and Subjective Well-Being: Reassessing the Easterlin Paradox*. Brookings Papers on Economic Activity.
- Tao, H. L. (2008). What Makes Devout Christians Happier? Evidence from Taiwan. *Applied Economics*. 40 (7): 905-919.
- Tian, G. & Yang, L. (2007). A Formal Economic Theory for Happiness Studies: A Solution to the Happiness-Income Puzzle. *Texas A&M University, Department of Economics*. College Station, 1-45.

- Veenhoven, R. (1989). National Wealth and Individual Happiness. *Understanding Economic Behaviour*. 11: 9-32.
- Witter, R.A., Okun, M.A., Stock, W.A., & Haring, M.J. (1984). Education and subjective well-Being: A meta-analysis. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 6 (2), 165-173.
- www.theguardian.com/news/datablog/2012/sep/20/religious-restrictions-index-intolerance-rise.
- www.uis.unesco.org
- www.worldbank.org
- [www.world data base of happiness.eur.nl](http://www.worlddatabaseofhappiness.eur.nl).

پیوست

جدول شاخص شادی و محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی در زمینه مذهب

کشورهای مورد مطالعه

شاخص خصومت‌های اجتماعی	شاخص محدودیت‌های دولت	شاخص رضایت از زندگی	کشور	ردیف
۲/۲	۳/۷	۷/۱	بلژیک	۱
۰	۰/۸	۶/۵	بلیز	۲
۰/۳	۱	۵/۸۹	بولیوی	۳
۳/۳	۱	۷/۰۵	برزیل	۴
۰	۱/۲	۳/۶	بوتسوانا	۵
۱/۱	۱/۶	۶/۲۶	کانادا	۶
۱/۸	۱/۳	۶/۶	شیلی	۷
۲	۷/۵	۵	چین	۸
۰/۴	۰/۶	۴/۴	کامرون	۹
۳/۱	۲/۸	۶/۴	کلمبیا	۱۰
۰/۸	۲/۶	۷/۱۷	کاستاریکا	۱۱
۵/۴	۶/۹	۵/۳	الجزایر	۱۲
۰	۰/۸	۵/۸۲	اکوادور	۱۳
۱/۲	۲/۷	۶/۵	اسپانیا	۱۴
۴/۹	۳/۴	۴/۴	اتیوپی	۱۵
۵/۱	۱/۴	۷	فرانسه	۱۶
۰/۸	۱/۹	۴/۳	گابن	۱۷
۱/۲۶	۱	۵/۶	غنا	۱۸

۱۶۲ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۴

۱/۹	۲/۹	۵/۷	گینه	۱۹
۰/۳	۱	۶/۱۴	گواتمالا	۲۰
۰/۸	۱/۶	۶/۳۳	هندوراس	۲۱
۲/۳	۲/۷	۵/۴	کرواسی	۲۲
۷/۲	۸/۶	۵/۲	اندونزی	۲۳
۵	۷/۹	۴/۸	ایران	۲۴
۵/۱	۶/۵	۵/۵	اردن	۲۵
۳/۱	۲	۶/۳	ژاپن	۲۶
۵/۱	۶/۵	۴/۹	قرقیزستان	۲۷
۰	۱/۹	۶/۹	کره جنوبی	۲۸
۱/۷	۴/۷	۶/۴	کویت	۲۹
۴/۹	۳/۷	۵/۲	لبنان	۳۰
۱/۸	۱/۷	۴/۲	لیبریا	۳۱
۰/۲	۵/۸	۴/۹	لیبی	۳۲
۱/۲	۶/۲	۵/۱	مراکش	۳۳
۳/۶	۳/۵	۶/۵۴	مکزیک	۳۴
۱/۳	۰/۹	۳/۸	مالی	۳۵
۲/۴	۰/۴	۵/۲	مونتنگرو	۳۶
۰	۰/۷	۴/۹	نامیبیا	۳۷
۷/۸	۵/۸	۵/۴	نیجریه	۳۸
۰/۶	۳/۱	۵/۶۷	نیکاراگوئه	۳۹
۱/۶	۱/۳	۷/۶	هلند	۴۰
۱/۷	۲/۴	۷/۶	نروژ	۴۱
۲/۷	۰/۶	۷/۲	نیوزلند	۴۲
۰	۲/۶	۵/۵۴	پرو	۴۳

تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر ... ۱۶۳

۰/۳	۰/۸	۵/۲	پرتغال	۴۴
۰/۸	۱	۵/۹۳	پاراگوئه	۴۵
۰/۴	۵/۶	۶/۶	قطر	۴۶
۷/۳	۷/۲	۵/۴	روسیه	۴۷
۷/۲	۸/۶	۶/۷	عربستان سعودی	۴۸
۰/۶	۱/۸	۳/۸	سنگال	۴۹
۰	۱/۴	۴/۷	السالوادر	۵۰
۰/۴	۰/۹	۶/۱۴	سورینام	۵۱
۵/۵	۳/۵	۶/۷	تایلند	۵۲
۱/۲	۰/۹	۶/۳۶	ترینیداد و توباگو	۵۳
۱	۷/۷	۴/۹	تونس	۵۴
۴/۹	۵/۸	۵/۳	ترکیه	۵۵
۰	۰/۳	۶/۲۵	اروگوئه	۵۶
۳/۴	۲/۷	۶/۵	امریکا	۵۷
۰/۸	۳/۵	۶/۵۶	ونزوئلا	۵۸
۷	۷/۸	۳/۷	یمن	۵۹
۴/۴	۰/۷	۴/۹	آفریقای جنوبی	۶۰
۲/۲	۴/۴	۴/۸	زیمباوه	۶۱

مأخذ: پایگاه جهانی اطلاعات شادی و مرکز تحقیقاتی انجمن دین و زندگی عمومی پپو